

## نه هر که دیده‌ای دارد، بیننده است

واکاوی مفهوم بصیرت نشان می‌دهد که این واژه به معنای داشتن بینش دل، نور دل، آگاهی، زیرکی، هوشیاری، برهان، عبرت و اعتقاد صحیح دینی به کار رفته است. (۱) این معانی و حتی اطلاق «بصر بر چشم» به این دلیل است که چشم، یکی از مهم‌ترین راه‌های تحصیل علم و معرفت است. از این رو، باید توجه داشت که هر علمی، بصیرت نیست و هر عالمی بصیر نامیده نمی‌شود، بصیرت حکایت از نوعی آینده‌نگری و احاطه علمی است. یعنی اولیای الهی در جست‌وجوی روشن‌بینی و شهود معنوی از راه بصیرت‌اند و رهبران و مدیران سازمان‌ها نیز در جست‌وجوی بصیرتی هستند که آینده‌سازمانی خود را با موفقیت، همراه سازند.

در آموزه‌های دینی واژه «بصر» گاه در بینایی ظاهری و حسی و گاه درباره بینایی باطنی و عقلی به کار می‌رود. به عبارت دیگر، مردم از نظر بینش دو دسته‌اند: گروه اول، کسانی هستند که دیده آنها نزدیک‌بین است؛ آینده خود و جهان را نمی‌بینند و ادراکات آنها در محسوسات خلاصه می‌شود. از زندگی دنیا، ظاهری را می‌شناسند. حال آن‌که از آخرت غافل‌اند. (روم، ۷) این گروه هرچند در ظاهر بینا و دارای چشم ظاهری‌اند، اما از منظر قرآن در

شمار کوران هستند. سخن امیر بیان حضرت علی علیه السلام به همین نکته زیبا اشاره دارد: «ما کل ذی قلب بلیب و لا کل ذی سمع بسمیع و لا کل ناظر بصیر» (۲) نه هر که دلی دارد، به فردی داننده است و نه هر که گوشی دارد، نیک‌شنونده است و نه هر که دیده‌ای دارد، بیننده است.»

گروه دوم، کسانی هستند که ادراکاتشان خلاصه در محسوسات نیست، هم خانه دنیا را می‌بینند و هم خانه آخرت را. جامع‌نگر و واقع‌نگرند؛ هم نزدیک را خوب می‌بینند و هم دور را. از منظر قرآن ایشان صاحبان بصیرت‌اند و روشن‌ضمیر و بینا. و چه زیبا امام علی علیه السلام دانای بصیر را توصیف می‌کند، آن‌جا که می‌فرماید: «بیش‌نور، نگاهش از دنیا فراتر می‌رود و می‌داند که سرای حقیقی در ورای این دنیا است. پس از دنبال دل و دیده می‌رود و کور [دل] به آن می‌نگرد. بیش‌نور از آن توشه برمی‌گیرد و کور دل برای آن توشه فراهم می‌آورد.» (۳)

بنابراین، بصیرت و بینایی حقیقی در فرهنگ قرآن، و آموزه‌های دینی به معنای جامع‌نگری و آینده‌نگری علمی و عملی است. به تعبیر رهبر فرزانه انقلاب: «ملتی که بصیرت دارد، و مجموعه جوانان کشور، وقتی

بصیرت دارند، آگاهانه حرکت می‌کنند و قدم برمی‌دارند. بصیرت وقتی بود، غبار آلودگی فتنه نمی‌تواند آنها را گمراه کند، به اشتباه اندازد. در زندگی پیچیده اجتماعی امروز، بدون بصیرت نمی‌شود حرکت کرد. جوانان باید فکر کنند، بیندیشند و بصیرت خودشان را افزایش دهند. جوانان عزیز! هر چه می‌توانید در افزایش بصیرت خود و در عمق بخشیدن به بصیرت خود، تلاش کنید و نگذارید دشمنان از بی‌بصیرتی ما استفاده کنند.» (۴) و چه زیبا مولی علی علیه السلام از بی‌بصیرتی کوفیان به سئوه آمده، چنین شکوه می‌کند: «ای کوفیان سه خصلت [که در شما هست] و دو خصلت [که در شما نیست] گرفتار آمده‌ام، گوش دارید، اما کرید و زبان دارید، اما لال هستید، و چشم دارید، اما کور هستید [اما دو خصلتی که ندارید] نه هنگام دیدار آزاد مردانی هستید صادق و نه به‌گاه سختی، برادرانی مورد اعتماد.» (۵)

بنابراین، رهبر و کارگزاران بصیر و جامعه با بصیرت، و دانشجوی بصیر، نه تنها حق را می‌بینند و باطل را در چهره‌های گوناگون تشخیص می‌دهد، بلکه در عمل از حق و از پیشوایان حق جانبداری و اطاعت می‌کنند. از سوی دیگر، خواص بی‌بصیرت جامعه، افراد

# ناگفته‌های خورشید

مطلب منتشر نشده‌ای از زندگی سیاسی امام خمینی

در گفتگو با:

حجت الاسلام و المسلمین استاد یوسفی غروی (۱)



در زمان مرجعیت مرحوم آیت‌الله بروجردی<sup>۱</sup> و حکومت پهلوی دوم، طبق متمم قانون اساسی آن زمان، شخص اول مملکت و یا نخست‌وزیر با شش نفر از وزرا در دو عید مذهبی غدیر و عید ملی نوروز به دیدار شخص اول روحانی مملکت می‌رفتند. بر همین اساس، در زمان نخست‌وزیری اقبال، وی و شش نفر از وزرا هم‌زمان با عید غدیر خدمت آیت‌الله بروجردی رسیدند. این دیدار در زمانی اتفاق افتاد که دولت برای اجرای آزمایشی اصلاحات ارضی در ایران مقدمه‌چینی می‌کرد و قرار بود این طرح را از شیراز و شهر کازرون آغاز کند. پیش از این دیدار، مرحوم بهاء‌الدین محلاتی که از علمای شیراز و نماینده آیت‌الله بروجردی بودند، با آیت‌الله بروجردی تماس گرفته و این خبر را به ایشان اطلاع می‌دهند و می‌پرسند: آیا شما می‌فرمایید برای برخورد با این مساله خودم متصدی شوم یا خودتان با این مساله برخورد می‌کنید؟ آیت‌الله بروجردی مسئولیت پیگیری این مساله را خود برعهده می‌گیرند.

دکتر اقبال در آن دیدار، طبق موادی از متمم قانون اساسی (که باید در حد نیم‌ساعت به معرفی حاضران بپردازند) افراد حاضر را معرفی می‌کند. هنگام معرفی وزیر کشور (وزیر امور داخله) هم‌زمان با سخن اقبال که می‌گوید: وزیر امور

ساده‌ لوح، خودکم‌بین و ظاهرینی هستند که به راحتی در دامن دشمن می‌افتند و قادر به تشخیص چهره واقعی دشمن نیستند. چهره زیبای حق را هم نمی‌توانند به درستی تشخیص دهند، نه از حق جانبداری می‌کنند و نه از رهبر و امام خویش فرمانبری. با مردم خویش یک‌رنگ نیستند و در غبار آلودگی جامعه و فتنه‌ها به سادگی در دامن باطل غوطه‌ور می‌شوند و نمی‌توانند سره را از ناسره تشخیص دهند. فرد و جامعه صاحب بصیرت، کسی است و جامعه‌ای که بشنود، ببیند، بنگرد و ببیند و از عبرت‌ها بهره گیرد. آنگاه راه روشن و همواری را ببوید و از افتادن در پرتگاه‌های آن و گم شدن در کژراه‌هایش بپرهیزد.

پی‌نوشت‌ها

۱. دانش‌نامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج ۳، ص ۴۸۴، واژه «بصیرت».
۲. نهج البلاغه، خ ۸۸.
۳. همان، ص ۸۲ و ۹۸.
۴. سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع مردم چالوس و نوشهر، ۱۵ مهر ۱۳۸۸.
۵. نهج البلاغه، خ ۱۰۸، ص ۱۳۲.